



زنان شاغل و تشویش کارهای ناتمام!

وجود دارد که باید انجام شود.

بگیرد و متناسب با آن به تدوین سیاست‌ها بپردازد.

➤ قانون مناسب باید جامع و کامل باشد

در موارد بسیاری، عامل اقتصاد در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد. افزایش تعداد زنان با تحصیلات عالی و مهارت‌ها و تخصص‌های گوناگون سبب شده است که انجام وظایف مربوط به اداره امور خانه، نتواند رضایت خاطر زنان را تأمین کند. بر همین اساس، داشتن پیشه و اشغال جایگاه شغلی و اداری در جامعه به هدفی تبدیل می‌شود که زنان را با انجام وظایفی دوگانه روبه‌رو می‌کند. اداره این وظایف دوگانه ناممکن نیست اما در بهترین حالت هم می‌تواند زنان را با دشواری‌های مربوط به تعارض نقش و جایگاه روبه‌رو کند و آن‌ها را بر دوراهی اولویت پیشرفت شخصی یا رفاه خانوادگی قرار دهد. از چنین نظرگاه‌هایی است که توجه به قانون‌گذاری در حوزه اشتغال زنان ضروری است. یک قانون مناسب و سیاست اثرگذار در رابطه با اشتغال زنان باید هم اهداف و دلایل اقتصادی اشتغال زنان را پوشش دهد هم به مسئله مهم خودباوری و رضایت خاطر و احساس مفید بودن زنان برای جامعه توجه کند. تنها در چنین حالتی است که می‌توان مطمئن شد این قوانین و سیاست‌ها می‌توانند کارگشا باشند. در حقیقت، این تصمیم‌گیری‌ها باید تا حد امکان مانع قرارگرفتن زنان بر سر دوراهی حفظ زندگی خانوادگی یا حضور در محل کار شود و در راستای چنین هدفی، بر مواردی همچون همکاری در خانه، تقسیم وظایف اداره خانه و مشارکت، تعامل و همدلی میان اعضای خانواده تأکید شود.

➤ زنان نان‌آور در چرخه اقتصاد کجا قرار دارند

از نگاه اقتصادی و بر اساس ماده ۳۸ قانون کار، نباید هیچ‌گونه تبعیضی میان زنان و مردان برای انجام کار و شرایط کار وجود داشته باشد. اما محدودیت‌های فیزیکی برای زنان به‌ویژه در انجام کارهای سنگین (مثلاً حمل بار سنگین‌تر از ۲۰ کیلو) به‌ویژه در دوران بارداری و پس از زایمان در نظر گرفته شده است. با این همه، شرایط کار به‌ویژه بیمه و پرداخت حقوق به صورت برابر، نکته‌ای است که چندان مورد توجه کارفرمایان قرار نمی‌گیرد. اما در وضعیت کنونی، زنان نیز همپای مردان برای رفع مایحتاج زندگی می‌کوشند و دیگر مسئولیت نان‌آوری را نمی‌توان به یک جنس محدود و محصور کرد.

➤ اشتغال و نظم خانه

اینکه شاغل بودن برای زنان دیگر نه یک استثنا بلکه به قاعده زندگی تبدیل شده است، اگرچه برخی مسائل اقتصادی خانواده‌ها را مرتفع ساخته است، دشواری‌هایی را در نظم زندگی و خانه‌داری به شیوه مرسوم پدید آورده است. این دشواری‌ها از آنجا نشئت گرفته است که زنان، در کنار مسئولیت‌های خارج از خانه، همچنان عهده‌دار اداره کارهای روزانه خانه و آموزش و پرورش کودکان هستند. البته بر کسی پوشیده نیست که در موارد بسیاری، همدلی فراوانی از سوی سایر اعضای خانواده در برابر زنان شاغل

در سراسر مسیر رفت و برگشت به محل کار، لحظه‌ای از فکر و خیال فارغ نیست: در راه رفت، کارهایی که باید در محل کار انجام دهد و در راه برگشت، همه آن وظایفی که در خانه انتظارش را می‌کشند. اضطراب و نگرانی از انجام به‌موقع کارها حس مشترک همه زنان شاغلی است که پذیرفته‌اند در کنار ایفای نقش‌های گوناگون، خارج از خانه نیز به فعالیت بپردازند. شغل داشتن و انجام فعالیت‌های خارج از خانه زمانی انتخاب و تصمیم زن‌ها برای انتخاب سبک و نوع زندگی بود، اما این روزها با در کنار هم قرار گرفتن مجموعه‌ای از عوامل که اقتصاد و افزایش زنان سرپرست خانوار در رأس آن‌ها قرار دارد، شاغل بودن برای زنان به‌نوعی ضرورت و شاید همدلی و همکاری با مردان برای گذران زندگی به‌شمار می‌رود. این مسئله که دیگر شاغل بودن برای زنان یک نوع مدگرایی و رفاه‌طلبی نیست و به یک ضرورت تبدیل شده است، لزوم تدوین قوانین و سیاست‌هایی برای زنان شاغل را بیش از پیش آشکار می‌کند.



محدثه جزابی
دبیر انجمن علوم سیاسی
شعبه خراسان

برخی از این نقش‌ها متعلق وجودی انسان است. برای نمونه، اینکه همه انسان‌ها صرف نظر از جنسیت برای بقای خود و حفظ سلامتی خود می‌کوشند و می‌خواهند در آرامش و آسایش زندگی کنند امری است که در آن تردیدی وجود ندارد. درباره زنان شاغل این نکته مهم است که در یابیم این مشاغل کدامیک از اهداف وجودی زنان را پوشش می‌دهد. اگر هدف اصلی زنان را کسب درآمد و کمک به تأمین هزینه‌ها و مخارج زندگی بیان کنیم، به نظر می‌رسد سخن گفتن از برابری شرایط در محیط کار عادلانه باشد. اما اگر از حضور خارج خانه به دنبال اهدافی چون رضایت خاطر، استقلال مالی و به فعلیت رساندن استعدادها و توانایی‌ها باشیم، این قوانین و سیاست‌ها باید جایگاه ویژه زنان در جامعه و خانه را در نظر

➤ تعارض نقش‌ها برای زنان

یکی از دلایل اصلی نیاز به قانون‌گذاری در حوزه زنان شاغل به تقابل نقش‌ها و تعارض وظایف خانه‌داری با برخی تکالیف مربوط به مشاغل خارج از خانه بازمی‌گردد. درباره تعارض نقش‌های مادری و همسری با نقش‌های مربوط به شغل، تجربه‌ها و نوشته‌ها بسیار است، اما با اینکه چنین موضوعی همواره مدنظر فعالان حوزه زنان قرار گرفته، اندک‌اندک این پرسش فراموش شده است که اولویت زندگی زنان چیست. شاید اگر بتوانیم به این پرسش پاسخی درست و مناسب دهیم، بتوانیم بخشی از خواسته‌ها، مطالبه‌ها و نقدها را به سمت وسوی مناسبی ببریم. طبیعی است که هر انسانی هدف و نقش‌های منحصر به فردی برای خود در نظر می‌گیرد، اما